

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رئال جامع علوم انسانی

ایران‌شناسی

- تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۳۴) / ایرج افشار
- نشریات ایران‌شناسی / فریده رازی

۶۹۸ - خاورشناس که‌ها بوده‌اند و ایران‌شناس کیست

با دانشجویی کنجکاو که امثال مالکلم، سایکس و کرزن را از زمرهٔ ایرانشناسان می‌گفت صحبت را به اینجا کشانیدم که هیچ یک ازینها به اصطلاح علمی و مناسب امروزی ایرانشناس نبوده‌اند.

گفتم نکته این جاست که اصطلاح ایرانشناس پنجاه سال پیش نیست که مصطلح شده است. به آنها که پیش از آن زمان به مطالب ایرانی می‌پرداختند حتی براون و نیکلسن و ماسه و امثال آنها خاورشناس گفته می‌شد. این گونه افراد در زمینهٔ شرق‌شناسی تحصیل کرده بودند و هر یک از آنها بر دو سه زبان شرقی وقوف داشت. یعنی به مبادی مسائل زبان و تاریخ و فرهنگ ما آشنا بودند. بنابراین فرق است میان این افراد و کسانی که مدارج دیپلماسی یا نظامی را طی کرده و در خلال مأموریت‌های خود با زبان‌های شرقی و تاریخ‌آشنایی پیدا کرده باشند. ولی هیچگاه وجههٔ دانشگاهی نداشته‌اند. مارکوارت کجا و فلان سیاح آلمانی کجا. نلد که کجا و واسموس کجا. در دیکسیونر وبستر کسی را که مأمور کشورش در ممالک شرقی بوده است شرق‌شناس نمی‌خوانند (مانند کرزن و مالکلم و سایکس و ویلسن ا. اما نولد که و مارکوارت را شرق‌شناس می‌خوانند. تاریخ‌نویسی افرادی مانند مالکلم و سایکس و کرزن موجب آن نباید باشد که آنها را در زمرهٔ ایرانشناس یا شرق‌شناس به مفهوم آکادمی‌پسند آن بشناسیم و بگوئیم.

البته بوده‌اند افرادی که سیاسی بوده‌اند و در سفارتخانه‌های مملکت خود خدمت می‌کرده‌اند مانند مینورسکی، رابینو، نیکی تین، لمبتون، الول ساتن که پس از دست کشیدن از کار و خدمت دولتی به تحقیقات علمی پرداخته و با ورود به دانشگاهها توانسته‌اند از راه ارائه مقالات و کتابهای عالمانه خود را در صف شرق‌شناسان یا ایران‌شناسان در آورند.

تالیفات مالکلم و سایکس و کرزن و اشباه آنان سالهای دراز مورد استفاده قرار گرفته و به ترجمه در آمده است و هنوز هم مرجع استفاده است. ولی میان آن نوشته‌ها با مالک و زارع لمبتون - که او هم بدو در ایران کار سیاسی برای مملکت خود انجام می‌داده است - فرق کلی وجود دارد. همچنین است کارهای بعدی الول ساتن که نخست معاون لمبتون در ایران بود و سپس به مراتب دانشگاهی رسید و او حتی در عروض هم کتاب علمی ممتاز عرضه کرد.

۶۹۹ - احکام السلطانية ماوردی

سالها پیش محمدتقی دانش پژوه با چنگیز پهلوان به تصحیح ترجمه الاحکام السلطانية که قاضی بغداد موسوم به قوام‌الدین یوسف بن الحسین الحسینی شافعی در سال ۹۲۲ به فارسی در آورده بود، پرداختند. نام آن ترجمه «احکام سلطانی» است و یک نسخه از آن بیش بر جای نمانده است.

چنگیز پهلوان ده باب از متن را که مشترکاً با مرحوم دانش پژوه آماده کرده بود در یکصد نسخه (فقط) در شهر مونستر (آلمان) اخیراً به طبع رسانیده و کوششی را که احتمال پرباشی و فراموشی در آن می‌رفت، ماندگار ساخت. (مورخ فروردین ۱۳۸۱)

متن عربی کتاب الاحکام السلطانية ماوردی (۳۶۴ - ۴۵۰) مشهورست و چند چاپ دارد. دانش پژوه در گفتار خود برین چاپ سرگذشت متن عربی، و پهلوان در نوشته مفصل‌تری سرگذشت مؤلف و تحلیل جامعه‌شناسی مضامین متن را برگفته‌اند. پهلوان در پایان نوشته خود می‌نویسد:

«فعالاً به احترام استاد دانش پژوه صلاح را بر آن دیدم که نیم آماده شده کتاب به چاپ برسد و رضایت ایشان حاصل شود». در یادداشت دیگر مورخ فروردین ۱۳۸۱ متذکر شده است: «این ده فصل را با هم دیده‌ایم. در تصحیح متن حاضر از چند متن عربی سود جستیم.»

احکام السلطانية در بیست باب است و این مجلد ده باب آن را در بر گرفته است. همت و خدمت علمی چنگیز پهلوان تحسین شدنی است.

۷۰۱ - تواریخ محلی

شماره‌های اول و دوم سال ۳۳ مجله مطالعات ایرانی Iranian Studies که در امریکا منتشر



● ایرج افشار

می‌شود (بهار ۲۰۰۰) اختصاص به رسیدگی کتابهای تاریخ محلی در زبان فارسی دارد، البته متون کهن. این شماره زیر نظر دو مدیر مهمان چارلز ملویل Ch. Melville انگلیسی و پل یورگن P. Jurgen آلمانی تنظیم و به قول امروزیان ویراستاری شده است. این هر دو محقق در مباحث تاریخ ایران صاحب نظرند و کار کشته.

نخستین مقاله به قلم خانم ژولی اسکات میثمی Julie Scott Meisami استاد دانشگاه اکسفوردست. او مدرس ادبیات فارسی است ولی به مناسبت علاقه و تجربه شخصی چندی پیش کتابی درباره تاریخ‌نگاری فارسی در ازمنه پیشین منتشر ساخت (۱۹۹۹). درین مجله هم مقاله‌ای نوشته است به عنوان «تاریخ همچون ادبیات».

مقاله بعدی به قلم کلمنت با سورت C. E. Bosworth مورخ مشهور در تاریخ قرون سوم تا ششم ایران، اختصاص به خصائص تاریخ سیستان و احیاء الملوک دارد و به گاهی ضرورت نگاهی افکنده است به افسانه‌های مربوط به رستم و زابل در متون دیگر تاریخی و جغرافیایی. سومین مقاله سه کتاب خاص تاریخ سرزمینهای جنوبی دریای خزر (مازندران) را می‌شناساند. نویسنده چارلز ملویل استاد تاریخ دانشگاه کمبریج است. بخشی را از این مقاله به موضوع تاریخ وسیله تبلیغ تخصیص داده و شواهدی از متون تواریخ آن ولایات عرضه داشته. جز آن به جهات اخلاقی نگارش هم توجه کرده است.

Shahram Ahadi
New Persian Language
and Linguistics
A Selected Bibliography up to 2001

Orientalistik Bibliographien
und Dokumentationen

Band 17

2002
Harrassowitz Verlag · Wiesbaden

۱۱۱

نخستین مقاله پُل یورگن دربارهٔ تواریخ هرات است و مقالهٔ دیگر همو دربارهٔ تاریخ محاسن اصفهان مافروخی. موضوع مقالهٔ خانم پروانه پورشریعتی تحلیل و تجزیهٔ مواد تاریخ بیهق (منطقهٔ سبزوار کنونی) است.

کریستف ورنر Ch. Verner تاریخ و جغرافیای دارالسلطنهٔ تبریز را که نوشته‌ای از عصر مظفری است موضوع مقاله قرار داده است و اشاراتی هم به روضات الجنات کربلائی و تاریخ افشار ادیب الشعرا دارد.

۷۰۱ - کتابشناسی زبان و زبانشناسی فارسی

شهرام احدی از تحصیل‌کردگان در آلمان، کتابشناسی عالمانه‌ای از نوشته‌های فارسی و زبانهای خارجی دربارهٔ ادبیات زبان فارسی و مسائل زبانشناسی آن زبان جمع‌آوری و منابع فارسی را به خط لاتین آوانویسی کرده است تا استفاده از آن برای خارجیان آسان‌تر باشد. این کتابشناسی ۲۹۰۰ مدخل دارد. انتشارات مشهور هاراسوویتز Harrassowitz ناشر آن و نامش چنین است.

New Persian Language and Linguistics. A Selected Bibliography up to 2001.

Wiesbaden. 2002. 256 p.

۷۰۲- مدرسان فارسی در انگلستان

در شماره‌های پیشین بخارا از ایرانیانی یاد شد که در دانشگاه‌های انگلیس تدریس فارسی کرده‌اند. اما این نامها از قلم فرو افتاده است: دکتر شرف‌الدین خراسانی در دانشگاه کمبریج - دکتر مهدی محقق در دانشگاه لندن - مرحوم دکتر رضا نواب پور (دانشگاه دارم).

۷۰۳- دو علی گلابی

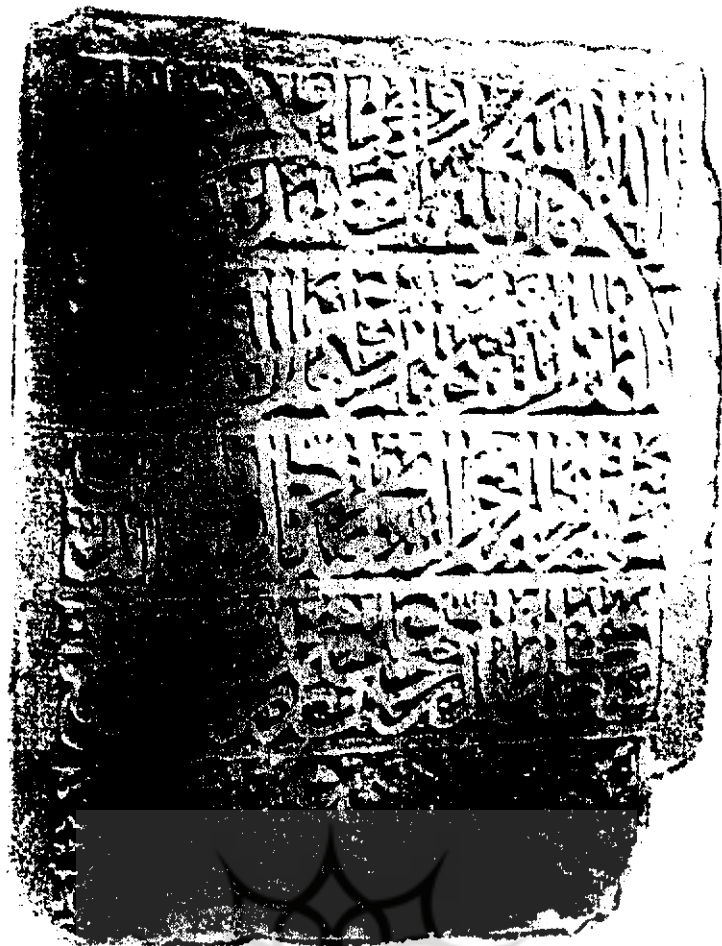
«دو علی گلابی» از کنایاتی است که باید در زبان عامه تهران سابقه‌ای دراز داشته باشد. آن تعبیر در موردی گفته می‌شود که کسی هارت و پورت بکند و بانگ میان تهی باشد. نادار باشد ولی خود را دارا بنماید، ناتوان باشد ولی خود را توانا قلمداد کند. تصور می‌شود که نسبت گلابی تحریف و تغییر صورتی است از «غرابی». غراب نوعی بوده است از کشتی. در گفتار یزدیان هنوز اصطلاح «غرابش غرق شده» به معنی زیاد ناراحت بودن به کار می‌رود. غراب به معنی کشتی هنوز استعمال دارد. جز آن در مورد کسانی که ادعاهای تو خالی می‌کنند گفته می‌شود «غرت و غراب» می‌رود. شاید در مورد «علی گلابی» هم غرابی درست باشد یعنی آن علی که اهل غرت و غراب است.

۷۰۴- آلب ایران

هتل دیزین در مدخل ورودی خود برای خوشامدگویی به ایرانیان به زبان فارسی تابلویی قرار داده و آن ناحیه را «آلب ایران» خوانده است. مگر دیزین خود اهمیت و شخصیت کافی ندارد که باید مردم را با شهرت آلب فرنگ به آنجا کشانید. این گونه کوچک انگاریها و تبلیغات ناسنجیده چه مفهومی دارد. فردا است که برای دماوند بنویسند به «فوجی یامای ایران» خوش آمدید.

۷۰۵- کلوهای ابرقو

حسن کارگر، قباله کهنه دلسوز شهر ابوقوست. وجب به وجب آن خطه را می‌شناسد. پیروزیها تلفن می‌کرد که دو درخت کهنسال را که با سرو ابرقو پهلوی می‌زنند در آبادی «هارونی» دیده است. گفتم هارونی کجاست. گفت نزدیک به اسفند آباد. جزین مرا از پیدا شدن سنگ قبری آگاه کرد که به تازگی پیدا شده و به میراث فرهنگی رسیده است. خوشبختانه آقای خاموشی مدیر کوشای میراث در ابرقو، عکسی از آن برایم فرستاد. سنگ به خط ثلث درهم نوشته است. کتیبه سنگ در دو لچک و پنج سطر است. قسمت تاریخی و مفید آن را این طور خواندم: «توفی



● «کلو» در ابرقو.

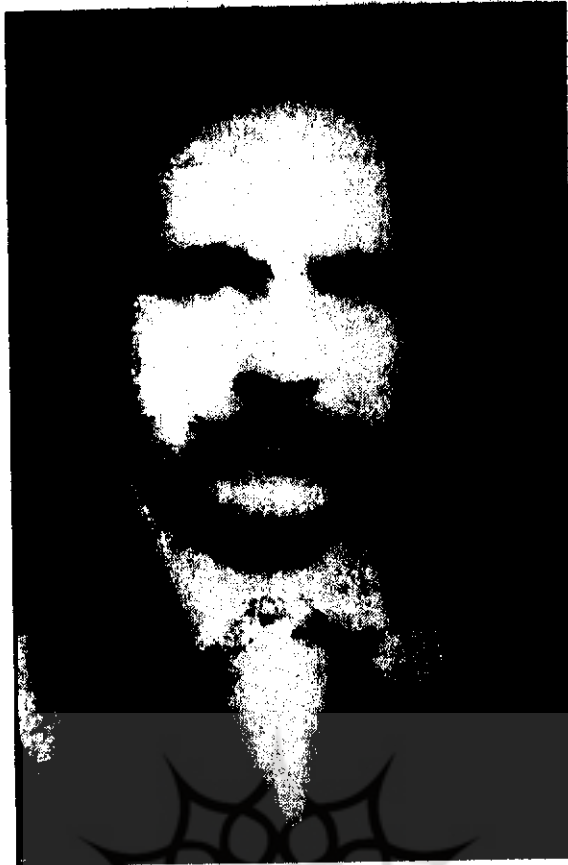
۱۱۳

المرحوم السعيد مفخرالرجال کلو قطب الدين اسماعيل [بن] کلو سيف الدين حسين بن علي بن محمد بن علي صباغ... في ثاني عشر ذي قعدة سنة عشرة و ثمانمئة الهجرية.» بنا به یادداشت آقای خاموشی این سنگ در هفت متری از سطح زمین در محله نظامیه به دست آمده است.

نکته مهم درین سنگ این است که شاهد دیگری بر استعمال عنوان متشخصانه «کلو» (همانند پهلوان، کی، کیا در مناطق دیگر ایران) در منطقه ابرقو به دست آمده است. این عنوان در قرن هشتم و نهم از کرمان تا فارس بسیار مصطلح بوده و بیشتر بر صاحبان صنعت و اصناف اطلاق می شده است که سمت کلانتری در محله خود داشته اند کما اینکه درین سنگ هم همراه نام کسی است که کارش صباغی بوده است. شاید کلمه «آکل» در داش آکل صادق هدایت هم با آن بی رابطه نباشد.

۷۰۶ - اقبال به فارسی سخنسرا بود ولی صحبت نمی کرد

کوشیار فرزندم در اینترنت به خبری توجه کرده است که در پیشاور انتشار یافته بود و مربوط می شود به یکی از مراسم ادبی در خانه فرهنگ ایران و سخنان ظهور احمد در آنجا. مطلب با این عبارت آغاز می شد که دو سوم از سروده های محمد اقبال لاهوری به فارسی فصیح و استوارست.



● اقبال لاهوری

می دانیم که رسالهٔ دکتریش هم دربارهٔ فلسفه در ایران بود. اما او فارسی نمی نوشت و فارسی صحبت نمی کرد. زیرا تمرین نکرده بود.

دکتر ظهور احمد در مجلسی (۱۱ ژولای ۲۰۰۲) گفته است که اقبال و سیدسلیمان ندوی و سر رئیس مسعود در اکتبر ۱۹۳۳ به افغانستان رفتند و با نادرشاه دیدار کردند. سفر آنها برای تهیهٔ برنامهٔ درسی دانشجویان رشتهٔ ادبی دانشگاه کابل بود. درین سفر اقبال در چندین محل سخنرانی کرد ولی همواره به زبان انگلیسی یا اردو. ندوی سخنان او را به فارسی برای حاضران ترجمه می کرد.

در شعر سحرآمیز فارسی، سزای نهفته است که جوهروار در جان آدمی خانه می کند. نمونه توانایی محمد اقبال در آفریدن قطعه های فارسی ماندگار اوست. او فارسی حرف نمی زد ولی فارسی فکر می کرد و صور خیال او به فارسی نقش می گرفت.

۷۰۷ - مصطلحات عثمانی و واژه های فارسی

در مدتی که عثمانیها در سرزمینهای تحت حکومت خود دوایر رسمی برقرار کرده بودند مصطلحات دیوانی آنها در تواریخ عربی هم مورد استعمال یافته است. این کلمات اکنون برای عرب زبان مهجور و اغلب نامفهوم است. بدین مناسبت سهیل صابان واژه نامه ای از آن



● لطیف ناظمی (عکس از علی دهباشی)

مصطلحات ترتیب داده است به نام المعجم الموسوعی للمصطلحات العثمانیة التاریخیة (الریاض ۱۴۲۱) و کتابخانه ملک فهد آن را منتشر ساخته.
در میان آنها مقداری کلمات فارسی دیده می‌شود که در دوایر عثمانیها مصطلح بوده است مانند دیدبان، دربند، درکنار، خمبره، بالا، پایه، دفتردار، طبخانه (که تب ظاهراً خانه درست است به ملاحظه توضیحی که درباره آن داده شده)، دفترخانه و نظایر آنها.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات عربی

۷۰۸- آنماری شیمیل و سیمین بهبهانی

خانم آنماری شیمیل را در جلسه بهاری الفرقان دیدم. پرسیدم به چه مشغولید. گفت منتخباتی از سروده‌های بانوان شاعر در زبانهای فارسی، عربی، ترکی، اردو، سندی و دو سه زبان دیگر از سرزمینهای اسلامی را تهیه می‌کنم تا آنها را به زبان انگلیسی ترجمه کنم و به چاپ برسد. قصدم بر آن است که جهانیان را به اهمیت و مقام فکر این زنان متوجه سازم. پرسیدم از میان فارسی زبانان ایران چه کسانی را در نظر دارید. گفت بیش از همه به سیمین بهبهانی علاقه مندم. شعر او از طراوت و تازگی بی‌مانندی برخوردار است و بمانند کارهای دیگران پیچیده نیست. پرسیدم بیتی را به یاد دارید گفت بله و خواند... من به یادم نماند.

اینک که این سطور برای نشر شدن تصحیح می‌شود دو سه هفته‌ای است که آن بانوی

دانشمند درگذشته است.

چند روز پیش دوست عزیزم شاعر توانای افغانی - عبدالکریم تمنا نامه‌ای را که شاعر توانای دیگر افغانی - فرزانه بزرگوار حضرت لطیف ناظمی از آلمان برایم نوشته و منظومه زیبای خود با عنوان «پارسی را پاس می‌داریم» را ضمیمه آن کرده است با پست برایم فرستاد. می‌بینم بهترین ارمغانی است برای آنکه آن را سرآغاز مطالب این شماره قرار بدهم. ابتدا تکه‌ای از نامه لطیف لطیف گرامی را نقل می‌کنم و از آوردن بخش محبت‌های او می‌گذرم.*

غافل نبوده‌ایم زیاد تو هیچگاه

یا برده‌ایم نام ترا یا شنیده‌ایم

استاد ورجاوند جناب داکتر افشار دامت افاضاته والسلام

سلامی چو بوی خوش آشنایی - آرزو بود تا در مدت اقامت کوتاهم در تهران از محضر آن پژوهنده ارجمند استفاده برم و ساعتی چند مصدع اوقات گردم. اما دریغ که تمنای ما را «تمنا»ی ما، برآورده نساخت.

نه تنها نگارنده این سطور را به و سابقه انس و الفتی که با آثار و افکار و احوال حضرت عالی است اشتیاق شناخت حضوری با شماست که شهروندان کتابخوان ما را نیز چنین آرزویی در دل است. چه کمتر اهل دانش و بینش است که وی را به آثار و افکار تان اطلاعی کافی نباشد و از مهر و شیفتگی تان به فرهنگ پر بار فارسی دری و مشترکات گرانقدر ما آگهی وافی نداشته باشد؟

دستاوردهای علمی تان در زمینه فرهنگ و علوم و تصفح و جستار گرانسنگ تان در باب تاریخ و زبان سرزمین مان، در خور تحسین است و سزاوار سپاس و آفرین.

تمنای عزیز، از من طلبیده بود تا شعر «پارسی را پاس می‌داریم» که سروده‌ی است ناچیز و قلیل به آن فرزانه جلیل بفرستم که اطاعت کردم و با این نامه همراه ساختم تا چه پیش آید و چه قبول افتد.

بیش از این اطاله و تصدیع ندهم و امیدوارم این عرض ارادت، فتح بابی گردد برای مکاتبه و مبادله فرهنگی با عرض حرمت.

لطیف ناظمی - ماه دی ۱۳۸۱

* بخارا به فروتنی استاد افشار توجه نکرده و متن کامل نامه را منتشر نمی‌کند. شعر «پارسی را پاس می‌داریم» سرآغاز بخش شعر مجله در این شماره است.

A Zoroastrian Tapestry

Art, Religion & Culture



کتابخانه ملی ایران
پتال جامع علوم انسانی

Symposium, Reception, Book Launch

17 October 2002

۷۱۰ - مغول‌شناسی مورگان

د. مورگان D. O. Margan استاد پیشین مدرسهٔ زبانهای شرقی دانشگاه لندن دوران بازنشستگی را می‌گذرانند. ایشان در پانزده سال اخیر چند کتاب در زمینهٔ پژوهشهای ایرانی خود منتشر کرده است. نام آنها برای اطلاع علاقه‌مندان درج می‌شود.

1982 Medieval Historical Writing in the Christian and Islamic Worlds

1996 The Mongols

1988 Medieval Persia 1040 -- 1797

1990 The Mission of Friar William of Rubruck: his journey to the Court of The Great Khan Möng Ke (1253 - 55)

۷۱۱ - مجمع متخصصان فرهنگ زردشتی

A Zoroastrian Tapestry (Art, Religion and Culture)

عنوان مجمعی علمی است که روز هفدهم اکتبر سال ۲۰۰۲ در تالار برونی (Brunei) دانشگاه لندن (مدرسهٔ السنهٔ شرقی) برگزار شد و بنیاد میراث ایران Iran Heritage Foundation در ترتیب آن شرکت مؤثر داشت. نام کسانی در آنجا صحبت کرده‌اند آورده می‌شود

James R. Russel □ Alliert de Jong □ Almut Hintze □ Boris I. Marshak □ Firoza M. Kotwal. □ Verta Sarkhorh Curtis □ Frantz Grenet □ Philip G. Kreyenbroek □ Firoza Punthakey Mistree □ Shahnaz N. Munshi □ Pheroza J. Godrej □ John R. Hinnell, □ Shirin Simmos □ Khojerte P. Mistsee □ Alan V. Williams.

۷۱۲ - صلاح الدین المنجد

صلاح الدین المنجد لبنانی در میان محققان عرب نسخه‌شناس، مقامی والا دارد. او پایه‌گذار مؤسسه‌ای است که به سرمایهٔ ممالک عربی در قاهره به نام مجمع مخطوطات العربیه پنجاه سال پیش تشکیل شد. مجله‌ای خاص هم برای معرفی نسخه‌های خطی به اهتمام و مدیریت او انتشار یافت. المنجد چند سال مدیر آن مؤسسه بود و توانست مباحث شناخت نسخه‌ها را از لحاظ قواعد و ضوابط (کدیکولوژی) به میان اعراب مرسوم کند.

او نخستین بار در سال ۱۳۳۶ سفری به ایران آمد به قصد آنکه نسخه‌های خطی عربی قدیم را در کتابخانه‌ها ببیند. یکی از نتایج دیدار او آن شد که شادروان دانش پژوه و مرا تشجیع به آن کرد که نشریه‌ای خاص معرفی نسخه‌های خطی منتشر کنیم. این کار با قبول دکتر ذبیح‌الله صفا - که در



از راست به چپ: محمدتقی دانش‌پژوه - ایرج افشار - کریستف بورگل (استاد اسلام‌شناسی دانشگاه برون) - صلاح‌الدین المنجد نسخه‌شناس (عکس در پاکستان برداشته شده است با کلاه‌های محلی).

آن اوقات متصدی دلسوز انتشارات دانشگاه تهران بود - پا گرفت و دوازده مجلد انتشار یافت.
این ایام مؤسسه الفرقان (لندن) جشن نامه‌ای به افتخار او منتشر کرد که در یکی از شماره‌های
بعد معرفی خواهد شد.

۷۱۳ - شرق‌شناسی در سراووو

دفتری مضبوط و مَبُوب از فعالیتهای شرق‌شناسان شهر سراووو میان سالهای ۱۹۵۰ تا
۲۰۰۰ به نام Orijentalni institut u Sarajevu 1950 - 2000 در ۱۷۵ صفحه انتشار یافته است.
در آن فهرستی کامل از مندرجات مجله Prilozi za Orijentalnu Filologiju آمده و از جمله
مقالاتی درباره ایران و زبان فارسی معرفی شده است.

۷۱۴ - نقاشی از آبشار پس قلعه

عمادالسلطنه سالور (حسینقلی) که به مانند برادر خود قهرمان میرزا عین‌السلطنه خاطراتی
روزانه نوشته در تاریخ ۸ ذی‌الحجه ۱۳۰۳ این یادداشت را ضبط کرده است:
«صبح از باغ سوار شدم به آبشار پس قلعه خواستم بروم. از دربند، مرغ محله اینها رد شدم.
کوه سخت را می‌رفتم تا به پس قلعه رسیدم. بالا رفتم به آبشار رسیدم. هوا آنجا در وسط روز
خیلی سرد بود. عجیب این بود که نقاشی را اعلیحضرت مأمور کرده بودند که آنجا شکل آبشار را
بکشد. حالا دو ماه است که شب و روز [شکل] آنجا را می‌کشد و شب می‌خوابد...»

۱۲۰

۷۱۵ - در اوراق تقی‌زاده (نامه براون به...)

«اوراق تازه یاب مشروطیت» (تهران ۱۳۵۹) کتابی است «حاوی مقداری از اسنادی که
تقی‌زاده نگاه‌داری کرده بود. همچنین نامه‌های ادوارد براون به تقی‌زاده که با همکاری دوست
فقیدم دکتر عباس زریاب‌خویی چاپ کردم. جسته‌گریخته در مقالات تقی‌زاده و جاهای دیگر هم
نامه‌ها و نوشته‌هایی را که از میان اوراق او مفید دیدم به چاپ رسانیده‌ام.

این روزها که به ته مانده پرونده‌های تقی‌زاده می‌نگریستم تا آنها را به گنجینه پژوهشی سپرده
خود به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بدهم به دسته‌ای دیگر از نامه‌های مفید او برخوردم.
همچنین فتوکپی مقداری از نامه‌هایی را دیدم که مرحوم مهندس ناصح ناطق برای مطالعات
خود از روی اوراقی که خانم تقی‌زاده به اختیار دکتر عباس زریاب‌خویی گذاشته بود تهیه کرده
بود و مرحوم ناطق یک کپی از آنها را به من واگذار کرد. همچنین فتوکپی از چندین نامه که زریاب



● ادوارد براون

در اختیارم گذارد. در میان این مجموعه اصلی و کپی، یک نامه از ادوارد براون وجود دارد که معلوم نیست به کی نوشته بوده است. چون در آن یادی از تقی زاده شده مشخص است که صاحب نامه آن را به تقی زاده داده است. من آن را در اینجا به چاپ می‌رسانم که هم آقای دکتر جان گرنی برای کتاب خود استفاده کند و هم کسانی که به کتاب نامه‌های براون به تقی زاده می‌نگرند بتوانند به این نامه هم نگاهی بیفکنند. شاید مخاطب را بشناسند و بشناسانند.

۷۱۶ - پسر بنداری مترجم شاهنامه

مترجم عربی شاهنامه فتح بن علی بنداری اصفهانی است. او در سال ۶۲۱ آن کار را به پایان

برد.

در کتابخانه آیه الله مرعشی (قم) نسخه‌ای از اخلاق ناصری هست به خط ابی العباس عبدالله بن الفتح بن علی بن محمد الفتح البنداری که در ۶۷۹ کتابت شده است (فهرست نگار آنجا درین تاریخ شکی اظهار کرده ولی نگفته چرا). به هر حال آیا این شخص فرزند همان بنداری نیست؟ شماره نسخه ۳۲۲۲ است و در جلد نهم فهرست آنجا معرفی شده است.

فی ۷ مارس ۱۹۱۱

FIRWOOD,

TRUMPINGTON ROAD,

CAMBRIDGE.

دوست عزیز مهربان مکرماً دیروز بزیارت
رقیمه کریمه آن دوست دیرینه کتب شرف
و امتنان نمودم و خیلی هم خوشحال و مسرور شدم
که رابطه مراسله دوران پیوسته کردید که واقعا
شنه اخبار ایران و مستان آنجا میباشم و بنقد
قط اخبارت و خیلی سائل را جواب میخواهم
ولی غیر از صبر حاره ندارم اخباری هم که میرسد
مختلف است و در عقیده خود گاهی حیران می مانم
در صورتیکه علم یقین خیل لازم است ، مثلا
لمراه رقیمه آن دوست که مشتمل بود بر ستایش
یکدلی و وطن پرستی و مظلومیت آقا رفیقزاده
کاغذ دیگر که یکی از مستان ایرانی دیگر نوشته بود
(غیر از آقا رسد الله خان کردستانی) که در آن
همه بلاایه ایران را درین اواخر بایان نسبت
میرداد ^{میرداد} جنابالی میباید که بچه درجه معتقد
بآقا رفیقزاده بودم و پارسال که در اسلامبول

۱۲۲

بودم در محاسن ایرانیان همیشه بر خلاف بعضیها
از ایشان دفاع میکردم ولی از بکه درین اواخر
از جاهای مختلف چه از ایرانیها چه از فرنگیها
شکایت از "زیاده رویهای" ایشان پی در پی
می آمد خیال کردم که این همه دخان آخر بایه
بر آتشی دلالت بکنند، اگر غلط کردم و نویفته

اعتقد افواه بی اصل ندانم از همه کس خودم خوشکالتر
فراهم بود که حقیقه آفای نفس زاده را و قنیکله اینجا
بود مثل کبریت اهریمن و انستم

باری خبری تازه که اینجا باشد و شبیه مجموع
عالی شده باشد اینست که در ۲۸ فوریه علی
بیگ معروف نوکر شاپال خودشرا در پاریس
کشت بعد از آنکه در کستن *Mistram*
خود - که زنی فرانسه بود - سعی کرده بود،
ظاهراً همه پول خود را صرف زون و قمار و شراب
و غیره کرده بود و چون دید که معشوقه اش میخواهد
او را ترک نماید میخواست او را و بعه خود را
بکشد، شرحی از این واقعه در یکی از روزنامه های

پاریس چاپ شد و بنویسند شیخ محمد قزوینی
 که بنقد در پاریس است بچشم رسید
 ملاقات امپراطور آلمان و روس در پوتسدام
 جهانی را بر حیرت کرد و نتیجه این ملاقات
 ظاهراً زوال شان سرادوار گرای شد است
 ولی بنده خودم در آن یک مجلس که آن وزیر
 صاحب تدبیر (۱) را دیدم سه سال و نیم
 قبل ازین همان حدس زدم و گفتم که یعنی
 دارم درگاه روس فروز ترانسته است از شما
 بگیرد گرفته باشد بی شک بر شما چار تکبیر
 زده پی رفیق دیگری میرود و همان طور هم
 شد -

شکاک علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پسر نوح با بدان بنسبت
 خاندان خاندان خاندان
 خاندان

امیدوارم که تا بحال هر دو کتاب که از برای
 جناب عالی فرستادم یعنی تاریخ گزیده و تاریخ
 انقلاب ایران هر دو رسید باشند، در باره
 تاریخ انقلاب خیلی خوشم میاید هر جا سهوی یا

فقدان باشد مخلص را از آن مطلع سازند تا اگر دوباره
 چاپ شود اصلاح و تصحیح شود که بغیر از حقیقت
 حال را نوشتن چیز دیگر را نمی خواهم، بدبختانه
 همه نمره های ایران تو که شامل تنقیح جناب عالی
 بود نرسیده دوست تا ناقص بود، چیزی که خیلی
 میخواهم اینست که اگر چاپ آن تا تاریخ بیداری
 ایرانیان که ناظم الاسلام کرمانی تألیف می فرمود
 و تمام مقدمه آن با ۱۷۶ صفحه از جلد اول
 بمخلو رسیده ولی حالا مدتی است جزو تازه
 کرسیده است پسر می رود تخته آفر از برای
 مخلص ارسال بفرمائید که آئونه دادم از برای
 چهار نیم نسخه از این کتاب مرغوب و خیلی لازم است
 از رسیده حضرت والا نائب السلطنه بسیار
 خوشحال شدم و از کسبه که صنایع الدوله
 و معتمد خاقان یک عالم غم و خسران حاصل گردید
 امشب نباید پسر ازین زحمت بهره که دیر نبرد
 اگر از حال مخلص جو یا باشی الحمد لله همه سلامت
 هستیم و همیشه بدعای خیر ایران مظلوم متغول
 بجمیع دوستانه خصوصاً آقا نواب حسینقلیان

فیلو سلا و اخلاص از زبان مخلص براینده - دوست صمیمی و خیرخواه حقیقی
 احوال بروی



● دکتر محمد مصدق

۷۱۷- روز مصدق در ایالت ایلینوی

متن بیانیه‌ای که از جانب فرماندار ایالت ایلینوی به مناسبت تشکیل کنفرانس خاطره پنجاهمین سال تشکیل دولت مصدق» انتشار یافت چنین است:

نظر به اینکه محمد مصدق، مهاتما گاندی و نلسون ماندلا قهرمان‌های ملی ایران، هندوستان و افریقای جنوبی و همچنین نمادهای بین‌المللی پایداری و عدالت خواهی و مدافعان دادگری و دموکراسی هستند،

و نظر به اینکه جورج واشینگتن و تاماس جفرسن در ایالات متحده و مهاتما گاندی در هندوستان رهبری مبارزه برای کسب استقلال از بریتانیا و محمد مصدق رهبری جنبش ملی ایرانیان را علیه استعمار بریتانیا در ملی نمودن نفت ایران عهده داشتند،

و نظر به اینکه به مناسبت پنجاهمین سالگرد انتخاب دموکراتیک دکتر محمد مصدق به مقام نخست‌وزیری دانشگاه نورت ایسترن ایلینوی در شیکاگو میزبان کنفرانسی تحت عنوان «تجربه مصدق در چشم‌انداز آینده ایران» است،

و نظر به اینکه بسیاری از دانشوران و کارشناسان زمینه‌های ایران، مصدق، نفت و سیاست



وزارت آموزش پرورش

اداره

شماره ۲۵۸/م.....

تاریخ ۲۵/۸/۴۴.....

سبب

ریاست محترم اداره کن‌نارنر جناب آقای دکتر فضل اله صفا

محترماً " بازگشت بنامه شماره ۵۸۲۳/ن - ۴۴/۸/۲۴ جزوات سیر کتاب در ایران نوشته آقای ایرج افتتار که بمناسبت هفته کتاب منتشر شده باین اداره واصل گردید .
ضمن معالعه تصویر صفحه ۹ چهار فرد شعر تحت عنوان (در بیان چهار چیز با خطر) ذیل صفحه فون مشاهده شد .

نشر اینگونه اشعار در این برهه توجه منتشر کننده و مخایر با اوضاع عصر روزمان می باشد زیرا در این دوران که شاهنشاه آریامهر مانند بحری موج ازرافت و خطوفت و قربتت مزید عزت و سعادت است انتشار این شعور باین با اندیشه و دور از ای آنجناب و تابل امعان نشر است .

اینجناب از لحاظ وظایف و جدائی واجتماعی و سابقه حسن شایسته وستی توجه جناب عالی را باین موضوع معصوف مینماید که بر اثر توجهات آنحضرت ناشرین نسبت به نشر اشعار و مقالات و انطباق کلی آن با جریان روزگوش در تحکیم و تثبیت مبانی ملیت و مقدمات ملی که شامل بتای میهن نیز است دقت بیشتری بفرمایند .

رئیس اداره آموزش و پرورش نائین * نرین

۹۸۲۸

۱۳۰۳/۸

رونوشت جهت استحضار باین انشار ریاست اداره کن‌نارنر اتشارات دانشگاه ایناد میگرد . خواهشمند است نشر خود را در این مورد اعلام فرمائید تا پاسخ بجه رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان نائین داد شود .

رئیس اداره کن‌نارنر * دکتر فضل اله صفا

بیتس

استعماری بریتانیا از چهار قاره و از دانشگاه‌های مختلف آمریکا نظرات خود را در این کنفرانس ارائه خواهند داد،

و نظر به اینکه شماری از پژوهشگران و دانشوران ایرانی تبار در امور آموزش و پژوهش نهادهای علمی و پژوهشی در مقام استاد، رئیس گروه علمی و ریاست دانشکده در دانشگاه نورت ایستون ایلینوی اشتغال دارند،

از این روی، اینجانب جرج اچ رایان، فرماندار ایالت ایلینوی، روز دوم ماه مه سال دو هزار و یک را روز دکتر محمد مصدق در ایلینوی اعلام می‌دارم.

۷۱۸ - ماجرای «سیر کتاب در ایران»

در جشن کتاب سال ۱۳۴۴، اداره نگارش وزارت آموزش و پرورش جزوه‌ای از من منتشر ساخت به نام «سیر کتاب در ایران». در این کتابچه تعداد زیادی عکس از کتابهای چاپی قدیمی (سنگی و حروفی) چه چاپ ایران و چه چاپهای هند و مصر و عثمانی و فرنگ چاپ شده بود. از آن جمله بود صفحه‌ای از پندنامه منسوب به عطار نیشابوری که در قرن سیزدهم در مصر طبع شده است و از حیث حروف و نوع صفحه‌بندی دیدنی بود. اتفاقاً صفحه‌ای عکسبرداری و چاپ شده بود که در آن از «قرب سلطان بدگوئی» داشت. یعنی این بیت:

قرب سلطان آتش‌سوزان بود با بدان الفت هلاک جان بود

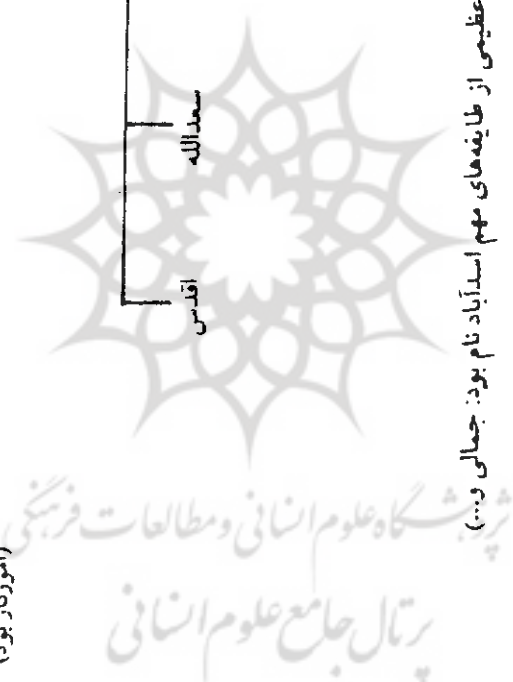
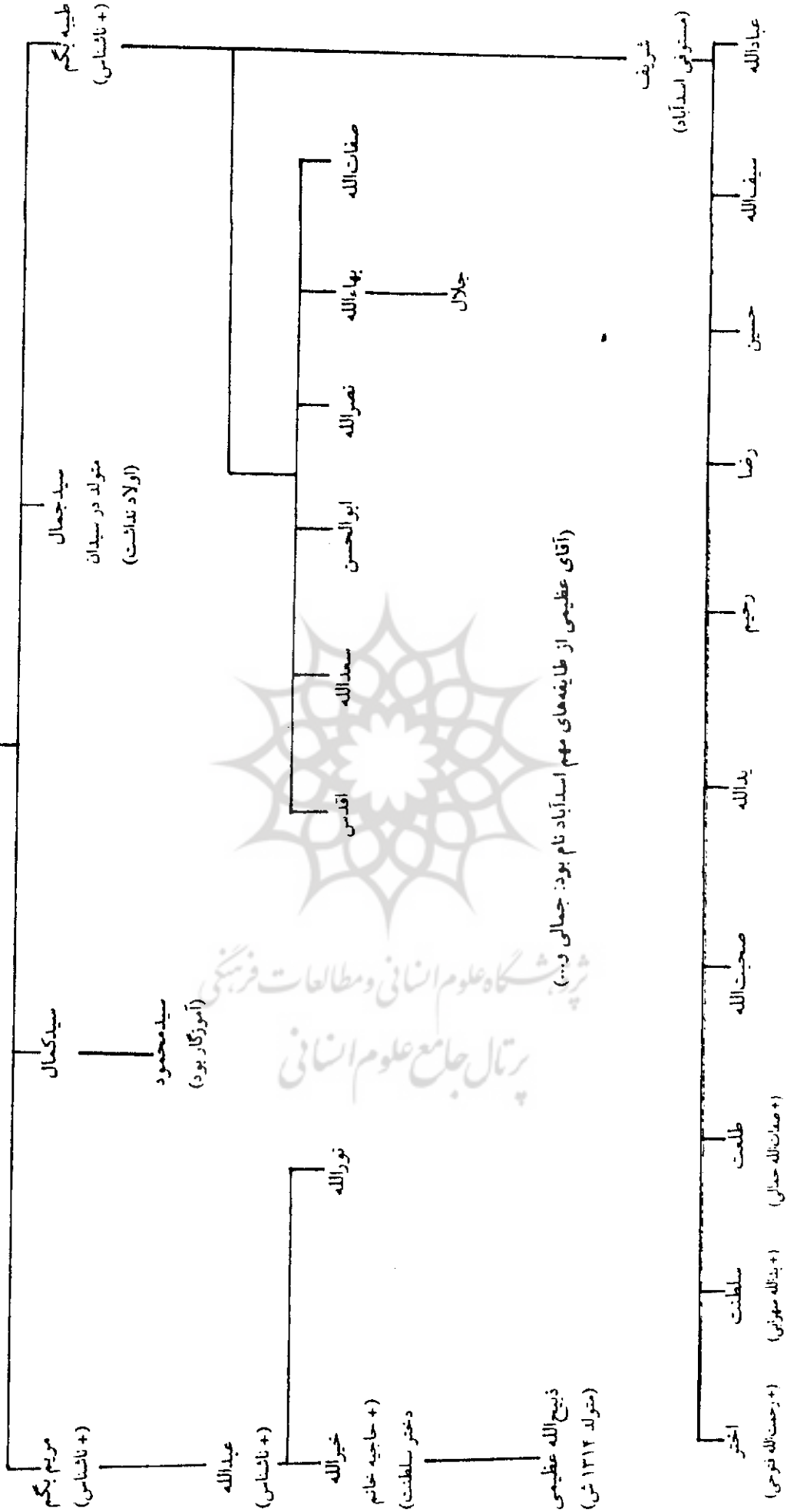
رئیس آموزش و پرورش نائین که دقت در مندرجات جزوه کرده و آن صفحه از پندنامه را مغایر مصلحت وقت دیده بود شرحی به اداره نگارش نوشته و شماتت کرده بود که چرا چنان شده است. رئیس اداره مذکور رو نوشت آن نامه را به من فرستاد و جواب خواست.

چون نمونه‌ای از اوضاع و احوال گذشته است درج شدن عکس آن برای نکته‌یابی تاریخ‌نگاران بی‌فایده نخواهد بود.

۷۱۹ - خویشتان سیدجمال اسدآبادی

بنا به مدارک موجود تردید نیست که سیدجمال‌الدین زاده اسدآباد همدان بوده است نه اسعدآباد افغانستان. در مجموعه اسناد و مکاتبات او که در خانه امین الضرب باقی مانده بود و

سید صفدر



(آقای عظیمی از طایفه های مهم اسداباد نام بود: جمالی و...)

اینک در کتابخانه مجلس شورای ملی محفوظ است (و آنها را دکتر اصغر مهدوی چهل سال پیش به آنجا داد) نامه‌هایی از لطف‌الله وجود دارد که خواهرزاده سید بوده است و او آنها را از همدان به اقصای اروپا برای سید ارسال می‌داشته است

امسال در کتابفروشی دهخدای لوس انجلس با آقای ذبیح‌الله عظیمی آشنا شدم که فردی از خاندان سیدجمال است. ضمن صحبت فرصتی پیش آمد که مقداری از شجره تیره مربوط به سیدجمال را بپرسم. نتیجه‌اش این شجره نامه است که می‌آورم تا علاقه‌مندان بتوانند با نوشته‌های صفات الله جمالی و ابوالحسن جمالی تطبیق کنند.

شماره ۱ سال نهمین تیرماه ۱۳۰۴

مجله سیاسی و ملی

محل‌اداره: طهران خیابان بهنوی

چهار راه سده الفک

تلفون: از مرکز حسن آباد نامبرمدیر

مراسلات باید نامبرمدیر باشد.

دفتر اداره باید بکتابخانه ساخته و حده

از ۳ تا ۹ بعد از ظهر باز است.

آینده

مؤسس و مدیر مسئول: دکتر افشار

۷۲۰ - مجله خوانهای هشتاد سال پیش طهران

دفتر اسامی مشترکان دوره اول و دوم مجله آینده (۱۳۰۴ - ۱۳۰۶) موجود است. برای آنکه نوع خوانندگان و دوستان آن مجله مشخص شود دفتر مربوط به تهران را به بررسی در آوردم و اسامی مشاهیر آن روزگار و آنها که بعداً مشهور شده‌اند موقع را که مشترک بوده‌اند، استخراج کردم. شاید برای تهیه کنندگان تاریخ مطبوعات مفید واقع شود.

آقایان

آموزگار، حبیب‌الله

ابتهاج، غلامحسین

احمدی بختیاری، عبدالحسین

اسدی، محمدولی

اسعد، محمدتقی (امیر جنگ)

اسعد، جعفرقلی (سردار اسعد)

اسکندری، عباس میرزا

افسر، محمدهاشم میرزا

افشار، جلال

افشار، رضا

اکبر، میرزا کریم خان

امامی خوئی، نظام الدین

امیر موثق نخجوان

امین، رفیع (دکتر)

امین الضرب مہدوی، حسین

انتظام، نصر اللہ

اویسی، علی محمد

بختیاری، امیر حسین خان

بدر، محمد

بزرگ نیا دانش، محمد

بقائی، میرزا شہاب

بہاء الملک قرہ گزلو

بہار، محمد تقی (ملک الشعرا)

بہرامی، فرج اللہ (امیر اعظم)

بیات، شیخ العراقین

بیات، عبدالحسین

بیات، عزت اللہ

بیات، مصطفیٰ قلی (صمصام الملک)

تدین، محمد

تقی زادہ، سید حسن

تیگران ترکیبان

تیمورتاش، عبدالحسین (سردار معظم)

ثقة الدولہ دبیاء، ابوالحسن

حشمہ الدولہ والاتبار، ابوالفتح

داور، علی اکبر

دشتی، علی

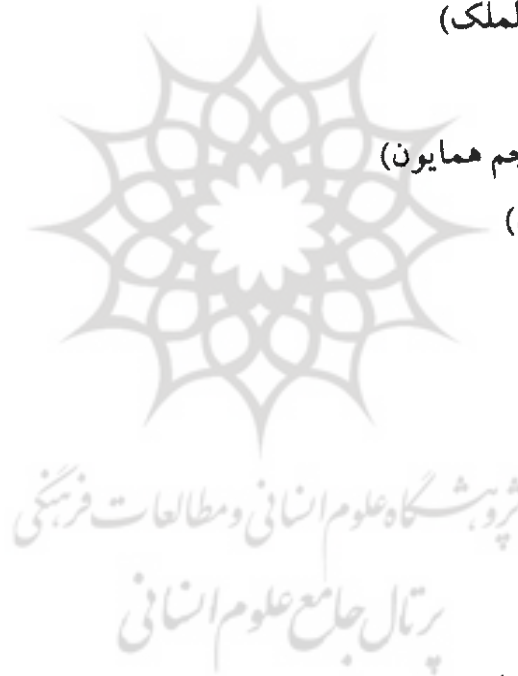
دولت آبادی، یحییٰ

دہخدا، علی اکبر



پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دیوان بیگی، آقاخان
سردار فاخر حکمت، رضا
سردار همایون (امیر لشکر)
سنجایی، کریم
طاهری، دکتر هادی
عبده بروجردی، محمد
علیم الملک فرهمندی، علی
فاتح، مصطفی
فرامرزی، عبدالرحمن
فرزین، محمد علی (کلب)
فروزانفر، بدیع الزمان
فروغی، محمد علی (ذکاء الملک)
فروهر، ابوالقاسم
فروهوشی، علی محمد (مترجم همایون)
فسا، علینقی (علاء السلطان)
فطن السلطنه مجد
فلسفی، نصرالله
فیروز، محمد ولی
قریب، عبدالعظیم
کاشف کردستانی
کاشین، ولادیمیر
کاظمی، باقر (مہذب الدولہ)
کبیر، علی
کسروی، سید احمد
کمالی، حیدر علی
کیان، غلامرضا
گلشائیان، عباسقلی
گل گلاب، حسین
گنجه‌ای، رضا



متین دفتری، احمد
محتشم السلطنة اسفندیاری، حسن
مستوفی، عبدالله
مشاورالممالک، علیقلی انصاری
مشفق کاظمی، مصطفی
مشکان طبسی، حسن
مصدق، دکتر محمد
مفاخر الملک نوزاد، علیرضا
میر، دکتر یوسف
نبیل، فصل الله
نثری همدانی، موسی
نجم آبادی، مرتضی
نجم الملک، ابوالقاسم
نصر، تقی
نصیری، محمد
نفیسی، سعید
نواب، حسین
نوری اسفندیاری، فتح الله
نقوی، حسین
نیک پور، عبدالحسین
وحید تنکابنی، محمد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۷۲۱ - نوشته سیاسی دیگری از مستشارالدوله

حبيب یغمایی که به مقداری از نامه‌ها و اوراق محمدعلی فروغی دست یافته بود در سالهای مختلف مجلهٔ یغما بعضی از آنها را به چاپ رسانید. از جمله نامهٔ مفصلی است که در جلد سوم (۱۳۲۹: ۲۳۹ - ۲۴۱) چاپ کرده است دربارهٔ مذاکرات هیأت سرحدی ایران و شوروی. ولی نویسندهٔ آن نامه را نتوانسته بود بشناساند.
نامهٔ مذکور مورخ ۲۵ قوس (آذر) ۱۳۰۲ مطابق ۹ جمادی الاول ۱۳۴۲ قمری است و با خطاب «قریانت شوم» آغاز شده است.

من در سال انتشار مقاله مذکور نمی دانستم که مستشارالدوله (میرزا صادق خان) ریاست این هیأت را داشته است. ولی بعدها که اوراق و اسناد او در اختیارم قرار گرفت بر آن مطلب مطلع شدم. این روزها که مجله یغما را به مناسبتی توروک می‌کردم متوجه شدم که آوردن توضیحی درین مورد برای مراجعان و محققان بعد مفیدست. آن نامه مورد سخن گزارشی از مستشارالدوله است و بسیار قابل توجه. از حیث فصاحت در بیان و گزارش مباحث سیاسی نمونه‌ای برجسته است. یغمایی حق داشته است که آن را در یغما بیاورد.

۷۲۲ - مجموعه‌های ایرانشناسی Dietrich Reimer

مؤسسه انتشاراتی ریمر آلمان از سال ۱۸۴۵ در برلن تأسیس می‌شود. علاقه مندی این مؤسسه در حال حاضر به انتشار کتابهای قوم‌شناسی، زبان‌شناسی سرزمینهای افریقایی، جغرافیا و علوم طبیعی، باستانشناسی، شرق‌شناسی، بیزانس‌شناسی، معماری و هنر و تاریخ فرهنگی است.

آنچه درباره ایران به چاپ می‌رساند بیشتر در زمینه باستانشناسی است. همه کتب و نشریات مؤسسه باستانشناسی آلمان درباره ایران توسط این ناشر انتشار می‌یابد.

نخستین مطالعات باستانشناسی رسمی و علمی آلمان درباره ایران را ارنست هرتسفلد در دوره رضاشاه پهلوی آغاز کرد. او سلسله نشریه ادواری معروف و معتبری را از سال ۱۹۲۹ به نام *Archaeologische Mitteilungen aus Iran* بنیاد نهاد که با پیش آمد جنگ جهانی دوم متوقف شد. نه مجلد آن توسط او به چاپ رسید و نایاب گردید. بعدها همین مؤسسه ریمر آن سلسله را تجدید چاپ کرد و بر نام آن افزود (*Alte Folge*).

پس از ترمیم خرابیهای آلمان چون مؤسسه باستانشناسی آن کشور فعالیت و کارهای علمی خود را از سر گرفت و در ایران هم به مطالعات باستانشناسی پرداخت پس انتشار آن نشریه متوقف شده را به توسط مؤسسه ریمر جزو کارهای اساسی خود قرار داد. از سال ۱۹۶۸ تا به امروز هر سال یک جلد از آن به چاپ رسیده است. در هر مجلدی ده بیست مقاله ممتاز عالمانه مندرج است. این سلسله جدید الانتشار تا مجلد بیست و هشتم عنوان (*Neue Folge*) داشت. پس از آن بر نام نشریه عنوان «توران» را الحاق کردند زیرا دامنه مطالعات باستانشناسی را به صحاری آسیایی وسعت دادند و اقالیم مورد مطالعه را به سرحد چین کشانیده‌اند. امروز نامش چنین شده است:

Archaeologische Mitteilungen aus Iran und Turan

آخرین شماره آن که در سال ۲۰۰۱ منتشر شده شماره سی و سوم است. باید دانست که دو تن بیش از هر کس در دوام انتشار این مجله مؤثر بوده‌اند. نخست ه لوشای در ایران مدیریت

Band 1

Herzfeld, Ernst
Altpersische Inschriften (vergriffen)

Band 2

Kroll, Stephan
Keramik urartäischer Festungen in Iran
 Ein Beitrag zur Expansion Urartus in Iranisch-Azerbaidjan
 188 Seiten mit 46 Abb. und 117 Typenskißzen. 1976

Band 3

Kleiss, Wolfram / Hauptmann, Harald
Topographische Karte von Urartu (vergriffen)

Band 4

Harb, Ulrich
Ilkhanidische Stalaktitengewölbe
 Beiträge zu Entwurf und Bautechnik
 77 Seiten mit 34 Abb. und 9 Tafeln. 1978

Band 5

Hofstetter, Josef
Die Griechen in Persien
 Prosopographie der Griechen im Persischen Reich vor Alexander
 288 Seiten. 1978.

Band 6

Akten des VII. internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie
 München, 7. bis 10. September 1976
 678 Seiten mit 448 Abb. 1979

Band 7

Sarraf, Mohammad Rahim
Die Keramik von Tell-i Iblis und ihre zeitliche und räumliche Beziehung zu den anderen iranischen und mesopotamischen Kulturen
 234 Seiten mit 71 Abb., 6 Faltafeln und 24 Fototafeln. 1981

Band 8

Klinkott, Manfred
Islamische Baukunst in Afghanisch-Sistan
 Mit einem geschichtlichen Überblick von Alexander dem Großen bis zur Zeit der Safawiden-Dynastie
 296 Seiten mit 112 Abb. und 7 Faltafeln.
 1982. Br € 65,- (D) / sFr 111,-
 ISBN 3-496-00107-0

Band 9

Kiani, M. Yussuf
Parthian Sites in Hyrcania (The Gurgan Plain)
 80 Seiten mit 46 Abb., 18 Faltafeln und 41 Fototafeln. 1982

Band 10

Kunst, Kultur und Geschichte der Achämenidenzeit und ihr Fortleben
 Besorgt von Heidemarie Koch und D.N. MacKenzie. Symposium Göttingen, November 1981
 304 Seiten mit 29 Abb., 4 Faltafeln und 32 Fototafeln. 1983

Band 11

Kiani, M. Yussuf
The Islamic City of Gurgan
 93 Seiten mit 60 Abb., 52 Fototafeln, 12 Faltafeln und farbigem Frontispiz. 1985

Band 12

Eichler, Seyyare
Götter, Genien und Mischwesen in der urartäischen Kunst
 80 Seiten mit 36 Abb. und 26 Faltafeln. 1985.

Band 13

Rashad, Mahmoud
Die Entwicklung der vor- und frühgeschichtlichen Stempelsiegel in Iran
 354 Seiten mit 95 Abb., 48 Tafeln und 2 Karten. 1990



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مرکز اسناد و کتابخانه ملی
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۵

Band 14
Firby, Nora Kathleen
**European Travellers and
their Perceptions of Zoroastrians
in the 17th and 18th Centuries**
250 Seiten mit 4 Abb. und 2 Karten. 1988

Band 15
Weber, Ursula / Wieshöfer, Josef
**Das Reich der Achaimeniden .
Eine Bibliographie**
778 Seiten. 1996.

Band 16
Negahban, Ezat
Weapons from Marlik
122 Seiten mit 96 Zeichnungen,
3 Farbtafeln, 17 s/w-Tafeln und 1 Karte.
1995.

Band 17
Hinz, Walther / Koch, Heidemarie
Elamisches Wörterbuch
(vergriffen)

Band 19
Finster, Barbara
Frühe Iranische Moscheen
Vom Beginn des Islam bis zur Zeit
Säğgüischer Herrschaft
320 Seiten mit 158 Abb. und 48 Tafeln.
1 Faltblatt. 1994

Iranische Denkmäler

Das Mappenwerk erscheint als Ergänzung zu
den Archäologischen Mitteilungen aus Iran
Format 28 x 40 cm

Reihe I
Vorgeschichtliche Denkmäler
Lieferung 1/2 und 3/4 vergriffen

Reihe II
Iranische Felsreliefs
Hg. vom Deutschen Archäologischen
Institut, Abteilung Teheran

Lieferung 5.A
Trümpelmann, Leo
**Das Sasanidische Felsrelief
von Sar Mashad**
12 Seiten Text mit 3 Abb. und 7 Tafeln.
1975.

Lieferung 6.B
Trümpelmann, Leo
Das Sasanidische Felsrelief von Darab
20 Seiten Text mit 11 Tafeln und
1 Doppeltafel. 1975

Lieferung 7.C
Hroud, Barthel / Trümpelmann, Leo
**Sarpol-i Zohab: Die Felsreliefs I-IV
Das Parthische Felsrelief**
16 Seiten Text mit 10 Tafeln. 1977

Lieferung 8.D
Hermann, Georgina / Howell, Rosalind
**Naqsh-i Rostam 5 and 8. Sasanian
Reliefs Attributed to Hormuzd II
and Narsch**
12 Seiten Text mit 14 Tafeln und
2 großformatigen Zeichnungen. 1978

Lieferung 9.E
Hermann, Georgina / Howell, Rosalind
**The Sasanian Rock Reliefs at
Bishapur III. Triumph attributed to
Shapur I**
44 Seiten Text mit 56 Tafeln und
5 großformatigen Zeichnungen. 1981

Lieferung 10.F
Hermann, Georgina / Howell, Rosalind
**The Sasanian Rock Reliefs at Bishapur,
Part 2: Bishapur IV, V and VI**
38 Seiten Text mit 3 Abb., 32 Tafeln und
3 großformatigen Zeichnungen. 1981

Lieferung 11.G
Hermann, Georgina /
MacKenzie, D.N. / Howell, Rosalind
**The Sasanian Rock Reliefs
at Bishapur, Part 3**
Bishapur I. The Investiture/Triumph
of Shapur I? Bishapur II. Triumph of
Shapur I and Sarab-i Bahram. Bahram II
enthroned. The Rock Reliefs at Tang-i Qandil
36 Seiten Text mit 40 Tafeln und 4 groß-
formatigen Zeichnungen. 1983

Lieferung 12.H
Seidl, Ursula
Die elamischen Felsreliefs von Kurangun und Naqsh-e Rostam
25 Seiten Text mit 18 Tafeln, 10 Textabb. und 3 Zeichnungen, 1986

Lieferung 13.1
Herrmann, Georgina /
MacKenzie, D.N. / Howell, Rosalind
Naqsh-i Rostam 6. The Sasanian Rock Reliefs at Naqsh-i Rostam. The Triumph of Shapur I
72 Seiten Text mit 24 Tafeln und 3 Zeichnungen, 1989

Führer zu archäologischen Plätzen in Iran

Band 1
Kleiss, Wolfram
Bastam/Rusa-i-Uru.Tur
Beschreibung der urartäischen und mittelalterlichen Ruinen
72 Seiten mit 65 Abb. und 2 Faltafeln, 1978

Band 2
Naumann, Rudolf
Die Ruinen von Tacht-e Suleiman und Zendan-e Suleiman und Umgebung
128 Seiten mit 103 Abb. und 4 Faltafeln.

Materialien zur iranischen Archäologie

Hg. vom Deutschen Archäologischen Institut, Abteilung Teheran

Band 1
Pedde, Friedhelm
Keramik aus Nord-Belutschistan
Die Sammlungen Noetling und Henckmann im Museum für Indische Kunst, Staatliche Museen zu Berlin, Preussischer Kulturbesitz
144 Seiten mit 48 Abb. 1993

Band 2
Kleiss, Wolfram
Karawanenbauten in Iran. Teil I
144 Seiten mit 247 Abb. und 28 Tafeln mit 110 Abb. 1996

Band 3
Kleiss, Wolfram
Karawanenbauten in Iran. Teil II
133 Seiten mit 244 Abb. und 42 Tafeln
Format 24,5 x 34 cm, 1997

Band 4
Leisten, Thomas
Architektur für Tote
Bestattung in architektonischem Kontext in den Kernländern der islamischen Welt zwischen 3./9. und 6./12. Jahrhundert
342 Seiten mit 11 Karten und 55 Tafeln mit zahlreichen Abb. Format 24,5 x 34 cm
1998.

Band 5
Kleiss, Wolfram
Karawanenbauten in Iran / Teil III
160 Seiten mit 304 Abb. und 32 Tafeln.
1998.

Band 6
Kleiss, Wolfram
Karawanenbauten in Iran / Teil IV
147 Seiten mit 305 Abb. und 28 Tafeln mit 111 Abb. 2000

Band 7
Kleiss, Wolfram
Karawanenbauten in Iran / Teil V
143 Seiten mit 259 Abb., 4 Faltblätter und 28 Tafeln mit 111 Abb. 2000

Band 8
Kleiss, Wolfram
Karawanenbauten in Iran / Teil VI
124 Seiten mit 160 Abbildungen, 3 Faltblätter und 39 Tafeln mit 155 Abb.,
Verzeichnis aller in den Bänden I–VI behandelten Bauten. 2001

مؤسسه آلمانی را داشت و پس از او ولفرام کلایس که سالهای درازی با شور و شوق بدان خدمت پرداخت.

مؤسسه ریمر چهار سلسله کتاب هم در زمینه باستانشناسی و آثار ایران منتشر می‌سازد: اولی موسوم است به *Archaeologische Mitteilungen aus Iran. Ergänzungsbande*. درین سلسله نوزده کتاب تاکنون انتشار یافته است بمانند

اگر بخواهید بهای نسبی هر یک ازین کتابها را بدانید بطور کلی میان چهل تا یکصد و سی یا چهل یوروی کنونی است. نشانی آن:

Dietrich Reimer Verlag, Zimmerstrasse 26 - 27, Berlin 10969

۷۲۳. — Eurasian Studies.

نام مجله تازه‌ای است که در ایتالیا به چاپ می‌رسد. دو مؤسسه پژوهشی تهیه مطالب و انتشار آن را در عهده دارند: یکی مرکز مطالعات عثمانی کالج Newnham در کمبریج (انگلستان) و دیگری مؤسسه شرقی کارل نالینو در رم (ایتالیا) است. نخستین شماره آن با همکاری مؤسسه فرانسوی مطالعات آسیای مرکزی و مؤسسه شرقی دانشگاه ناپل گردآوری شده است.

این مجله به پیروی از روش مجلات علمی شرق‌شناسی به گذشته می‌نگرد و مندرجاتش به موضوعات مربوط به تاریخ و فرهنگ سرزمینهای دراز دامن از دریای بالکان تا مرزهای چین خواهد بود.

در شماره نخست مجله هشت مقاله چاپ شده است: از آن جمله است: نسب نامه‌ای از خاندان خواجه احمد یسوی که در خانان خوقند می‌بوده‌اند (به قلم ماریا شوپه و عاشریک مؤمن اف) — شیعه در سوریه عصر عثمانی و اسنادی از قاضی حلب در سال ۹۶۳ (به قلم مارکو سلتی) — مسافران باستانشناس انگلیسی قرن نوزدهم در اناطولی (به قلم ابرو بویار — اصطلاح «رومی» در اطلاق شدن آن بر نسبت اهالی عثمانی (به قلم صالح اوزبران).

درین شماره یازده کتاب مورد نقد و بررسی قرار گرفته. نقدها اغلب جنبه تفصیلی دارد. در پایان، نام مقاله‌های رسیده برای درج در شماره بعد و چکیده چند سطری از آنها به طبع رسیده است.

۷۲۴. — عمه ناصرالدین شاه نه خواهر او

در شماره ۶۲۴ (بخارای ۲۵) چنانکه از آقای دکتر ناصرالدین پروین صاحب فرمان ناصرالدین شاه شنیده بودم نسبت عزیزالدوله به ناصرالدین شاه را خواهر نوشته بودم (و شاید هم اشتباه

من در ضبط و نقل متن باشد). دوست گرامی نکته‌یاب رضا رحیم‌زاده ملک فرمود آن خانم عمه ناصرالدین شاه (یعنی خواهر محمدشاه) بوده است. از خوانندگان عذر می‌خواهم و از آقای دکتر پروین هم.

۷۲۵ - خاطرات کتابدار «راستکار»

خانم فخری راستکار سی سال در کتابخانه مجلس کتاب ده و کتابدار و فهرست‌نویس و معاون و بالاخره رئیس بود و درین سمت، بازنشستگی را به تقاضای خود اختیار کرد. عبدالله ریاضی که مهندس بود و معلم، ولی بی تدبیر در مدیریت با آن تقاضا موافقت کرد. این خانم با کمال اخیراً در مصاحبه دلپذیری شمه‌ای از مشکلات کتابخانه‌داری و خدمات مردان برجسته‌ای مانند ارباب کیخسرو شاهرخ و یوسف اعتصام الملک و دیگرانی را که در تأسیس و گسترش آن کتابخانه قدمهای مؤثر برداشته بوده‌اند بر زبان آورده و در «پیام بهارستان» نشریه داخلی کتابخانه به چاپ رسیده است.

خواندن این مصاحبه از سر سوز که یادآور رنجهای ایشان در پیشرفت امور کتابخانه و وضع اداری آن ایام است مرا بر آن داشت که به آن همکار قدیم آفرین بگویم. چقدر صمیمی، چقدر با متانت، چقدر با حوصله و چقدر با ظرافت وضع گذشته کتابخانه را بازگویی کرده است. خانم راستکار، چه خوب و به موقع این بیت را خوانده است:

بودم آن روز من از طایفه دردکشان که نه از تاک‌نشان بود و نه از تاک‌نشان

این مصاحبه بی‌گمان یکی از منابع برای تاریخ کتابخانه‌داری جدید ما خواهد بود. بر هر کتابدار جوانی فرض است آن را بخواند تا دریابد که کتابخانه‌های موجود حاصل چه کوششها و چه خون دل خوردنها است.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پتال جامع علوم انسانی

۷۲۶ - گنجینه نسخه برگردان

محمود امید سالار مقیم امریکا از شاهنامه‌شناسان و متخصصان مباحث فرهنگ عامه دوران پیشینه ایران هم از علاقه‌مندان دلسوز پیدا کردن قواعد خاص در نقل متون فارسی از نسخه خطی به چاپ انتقادی است. زیرا هم اکنون به تصحیح جلد ششم شاهنامه (دنباله پنج جلدی که به تصحیح جلال خالقی مطلق و به اهتمام دکتر احسان یارشاطر انتشار یافته) اشتغال دارد و مصرست به اینکه برای دست یافتن به آن قواعد (البته برکنار از اصول مسلم شده‌ای که توسط اروپائیان مطرح شده) می‌باید چندین نسخه خطی به صورت نسخه برگردان (عکسی) به چاپ برسد تا اصحاب نظر بتوانند به آسانی آراء علمی خود را روشتر بیان کنند.

بدین منظور، جمعی از دوستان پزشک یا افراد فرهنگ دوست ایرانی ایالت ایندیانا ای امریکا را

گنجینه نسخه برگردان متون فارسی
زیر نظر ایرج افشار و محمود امیدسالار

مجمّل الاقوال فی الحکم و الامثال

تألیف
احمد بن احمد بن احمد دمانیسی سیواسی
در سال ۶۹۳ قمری، به خط مؤلف کتاب

نسخه برگردانان

محمود امیدسالار
(لوس آنجلس)

ایرج افشار
(تهران)

تهران - ۱۳۸۱

۱۴۰

بر سر شوق آورده است که هزینه این کار را بپردازند. تاکنون نسبت به چاپ و انتشار دو نسخه بذل التفات کرده‌اند و سومین جلد هم به زیر چاپ رفته است.

دو متن که نسخه خطی آنها تاکنون به چاپ رسیده عبارت است از:

۱ - مجمل التواریخ و القصص (مؤلف ناشناخته) که محمد تقی ملک الشعرا بهار آن را به صورت حروفی منتشر ساخته بود. ولی پس از آن نسخه‌ای خطی قدیمی به دست آمد که از حیث نسخه بدل مزایایی دارد و می‌تواند مشکل گشای مقداری از اختلالات چاپ بهار قرار گیرد. این نسخه مورخ سال ۷۵۱ هجری قمری است و متعلق به کتابخانه دولتی برلین.

۲ - مجمل الاقوال فی الحکم و الامثال تألیف احمد بن احمد بن احمد دمانیسی سیواسی است از سال ۶۹۳. این کتاب حاوی حکم و امثال مهم و ساری زبان عربی است که برای فهم فارسی زبانان ناحیه اناتولی به زبان فارسی ترجمه و تعدادی حکایات فارسی مناسب هم بدان افزوده شده است. نسخه‌ای که به صورت عکسی چاپ شده فعلاً منحصر به فرد و به خط مؤلف همان کتاب است. این کتاب منحصرأ بر اثر تصادفی از گوشه‌ای به در آمد. شرح واقعه در مقدمه‌ای که بر آن نوشته‌ام آمده است.

آقای امید سالار، برای اجرای این طرح مخلص خودشان را در طهران بدین اقدام برگماشته‌اند. هر دو کتاب توسط انتشارات طلایه به چاپ رسیده است و توسط آن مؤسسه توزیع می‌شود. کتابفروشی طهوری هم در فروش آن به ما یاری می‌رساند.

۷۲۷ - عبدالرحیم خان بیگلر بیگی یزد

درین دو هفته به دو نسخه برخوردیم که نام عبدالرحیم خان بیگلربیگی در آنها دیده شد. این عبدالرحیم خان از اوایل روزگار آقا محمدخان قاجار سمت بیگلربیگی یزد را داشت. از آثار بازمانده او مدرسه عبدالرحیم خان، راسته بازار در شهر و چند فنات در بافق و باغ رحیم آباد شناخته شده است. سرگذشت و اخبار حکومت کردن او در جامع جعفری (تهران، ۱۳۵۳) به تفصیل آمده است. اما دو نسخه:

یکی رساله‌ای است از آغاز افتاده در احکام نجوم که به نام عبدالرحیم خان تألیف و در قسمت بازمانده از خطبه، ازو چنین یاد شده است: «حاج عبدالرحیم خان بیگلربیگی و صاحب اختیار دارالعباده یزد...» (دیده شده نزد احمد شاهد).

دیگر نسخه‌ای نفیس و خوش خط، با جلد روغنی برگ انگوری خوش ساخت تمام مجدول و دارای سرلوحه مذهب که در آن دو مجموعه از ادعیه (بدون ذکر نام جمع کننده) نوشته شده و به خط نسخ سیداحمد یزدی است که در «انجامه» مفصل آن کاتب مذکور گفته است آن را برای عبدالرحیم خان بیگلربیگی یزد در سال ۱۲۱۲ کتابت کرده است (دیده شده نزد حجة الاسلام سیدمحمد جزایری).

۱۴۱

۷۲۸ - ضد فرنگی

محققان معاصر در زمینه ضد فرنگی بودن ایرانیها یا طرفدار فرنگی شدن آنها معمولاً مطالعات خود را از عصر فتحعلی شاه شروع کرده‌اند، یعنی از زبان ابوطالب شوشتری مؤلف تحفة العالم و همعصران او و کسانی همچون میرزا صالح شیرازی که پس از آنها به آن گونه مباحث پرداخته است، به مطلب نگریسته‌اند. بعضی هم به عهد ناصرالدین شاه و سخنانی که ملکم و پیروان او به میان آورده‌اند، پرداخته‌اند. بالاخره آنهایی که نوشته تقی زاده را در مجله کاوه به دیده نقد یا تحسین مورد بحث قرار داده‌اند.

بعدها سیداحمد کسروی، سیدفخرالدین شادمان و سیداحمد فردید و سیدجلال آل احمد مبحث اروپائیگری و غرب زدگی را به دید انتقادی (البته هر یک به مقصود و شیوه خود) مطرح کردند.

در عصر صفوی آثار توجه به فرنگی که معمولاً حاوی تمجید و یاد آنهاست در اشعار و نوشته‌های شاعران و ادیبان دیده می‌شود، ولی نظر انتقادی نسبت به آنها از نوادرست.

حیدری تبریزی درگذشته به سال ۱۰۰۲ از کسانی است که در قصیده «عالم کوب» هفتاد بیت (نوعی از هجاگویی در شعر که همانندی به شهر آشوب داشت) مخالف خوان فرنگی بوده است



● دکتر احمد فردید



● جلال آل احمد

و اصطلاح «صاحب» را که در هند برای خارجیان مستعمل بود در شعر خود آورده است. بنده
 بشخصه همیشه تصورم برین بود که این اصطلاح از اوائل عصر قاجاری به زبان فارسی وارد شده
 و در عصر مشروطیت در ادبیات روزنامه‌ای ما ظهور بیشتری یافته است. اما شعر حیدری نشان
 دهنده آن است که شاعران ایرانی با آن کلمه آشنا می‌بوده‌اند و ظاهراً در قسمتی از تداول عمومی
 ایام رواج داشته است. به هر تقدیر شعر او این است:

با فرنگان متفق چون والی هرمز نیم حق پرستم منکر تفسیر قرآن نیستم
 هر زمان «صاحب» نمی‌گویم فرنگی را ز جهل صاحب هوشم مصاحب با فرنگان نسیتم.
 (شهر آشوب در شعر فارسی از احمد گلچین معانی)

۷۲۹ - نخستین کنگره بین‌المللی مستشرقین و سابقه حضور ایران

ابتکار تشکیل چنین کنگره از آن خاورشناسان فرانسه است. این کنگره نخستین بار در سال
 ۱۸۷۳ در پاریس برگزار شد و سه جلد از مجموعه سخنرانیهای آن میان سالهای ۱۸۷۴ تا ۱۸۷۶
 توسط ناشر معروف فرانسوی «مزون نو» *Maisonneuve* انتشار یافت. تعلق خاطر این ناشر
 همیشه به چاپ کتابهای مربوط به شرق بود. عمده مقالات آن کنگره به تحقیقات مربوط به
 ژاپون و چین اختصاص داشت. جلد اول از مجموعه سخنرانیها حاوی سخنرانیهای شعبه ژاپون

و چین است و قسمتی درباره آسیای مرکزی.

در جلد دوم مطالعات شعبه‌های مربوط به مصر باستان (هشت گفتار) و، آشورشناسی و باستانشناسی اقوام سامی (شش گفتار)، ادبیات سامی (یازده گفتار) و بالاخره ایرانی، دراویدی، سانسکریت، بودایی، ارمنی و یونانی جدید دیده می‌شود. چون مورد نظر نشان دادن تاریخ ورود مطالعات ایرانی به کنگره‌های ایران‌شناسی است تفصیل آن را می‌نویسم.

ریاست شعبه به عهده نظر آقا یمین السلطنه آشوری (معمولاً او را به ارمنی می‌نامیدند) که سفیر ایران در فرانسه بود گذاشته شده بود. نامش در کتاب درج شده است. صحبتی هم در شروع جلسه کرده بود. سه سخنرانی درین شعبه که او ریاست داشت شده بود به این ترتیب
- شارل شوبل Ch. Schoeble درباره جانشینی زبانها در ایران (او استاد زبان سانسکریت بود، در کجا نمی‌دانم).

- کلمانس رویه Ch. Royer درباره تفکر توحیدگرائی نزد ایرانیان پیشین. (او عضو انجمن مردم‌شناسی بود).

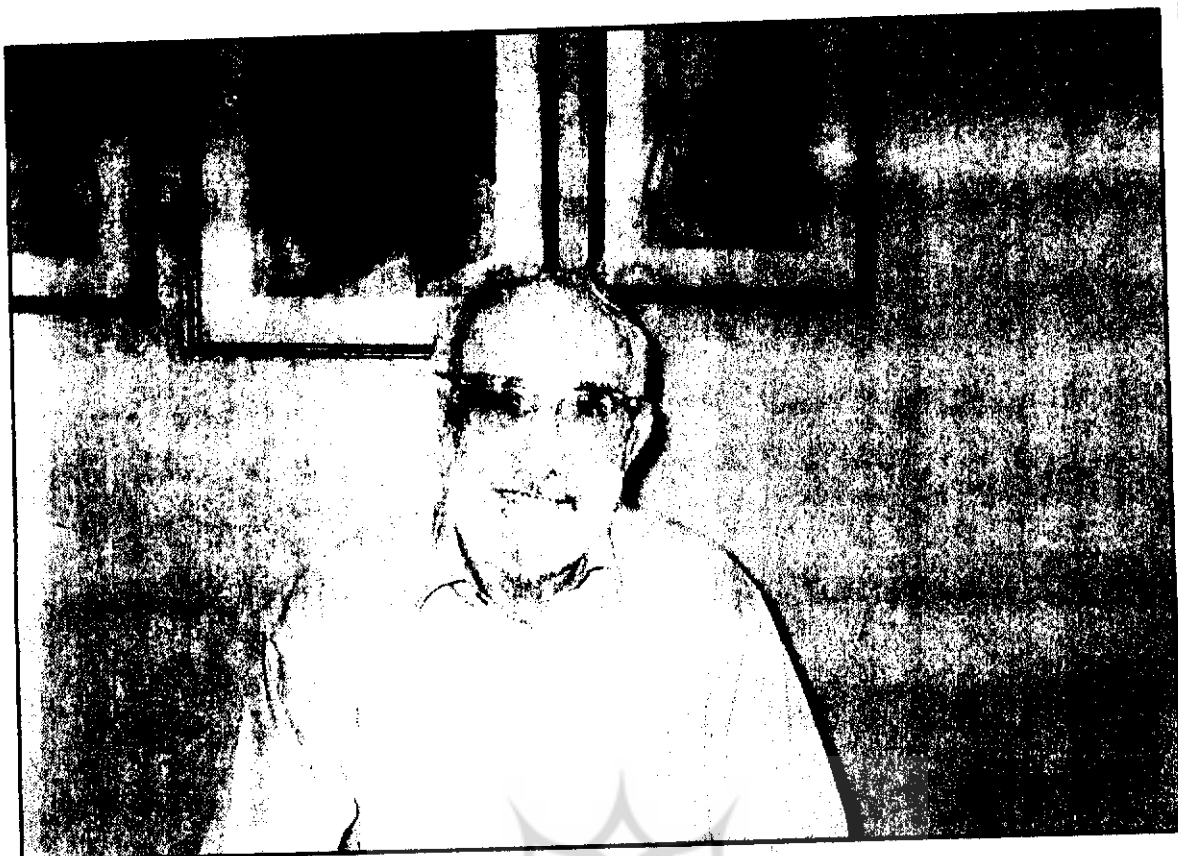
- فرهنگ زردشتی در میان چینیان (لئون دو رُسنی L. de Rosny) استاد در مدرسه زبانهای شرقی فرانسه بود.

از میان کشورهای شرقی تنها نام مصر دیده می‌شود. از آن کشور منشی دستگاه سلطنتی خدیوی به کنگره فرستاده شده بود. ایران نماینده‌ای نداشت و معلوم است سفیر ما را به احترام برای اداره جلسه ایران‌شناسی دعوت کرده بودند.

از اسامی اداره کنندگان کنگره که نامشان برایم آشنا بود کلود برنارد Cl. Bernard است و شارل شفر. شارل شفر در آن روزگار رئیس مدرسه زبانهای شرقی بود. دیگر گارسن دوتاسی G. de Tassy که از معلمان آن مدرسه بود و منطق الطیر عطار را به اروپائیان شناسانید، یکی دیگر مورخ مشهور ماسپرو Maspero است. همچنین امیل بورنوف E. Burnof (پهلوی‌دان و اوستاشناس). به هر تقدیر نام ایران از همان نخستین کنگره خاورشناس مطرح بوده و شعبه‌ای به مطالعات ایرانی اختصاص داشته است. پس نظر آقا را که سالها سفیر ایران در کشور فرانسه و مورد احترام میان فرانسویها بود می‌باید نخستین شرکت کننده در کنگره بین‌المللی خاورشناسان دانست. در شماره دیگر معرفی دومین کنگره خواهد آمد. امیدوارم تاریخ این سلسله را به زمانی برسانم که کنگره نه تنها تغییر نام بلکه تا حدودی تغییر روش و ماهیت داد.

۷۳۰ - روایت استرابون درباره سگ (نوشته همایون صنعتی‌زاده)

در شماره ۲۶ مجله بخارا در نوشته جالب و خواندنی ایرج افشار زیر عنوان «تازه‌ها و پاره‌های



● همایون صنعتی‌زاده (عکس از علی دهباشی)

ایران‌شناسی» در بند (۶۹۷) نمونه‌ای از شوخی‌های عصر ناصری آورده شده است. مشروح‌های است به طنز از زبان سگان تهران خطاب به اولیای دولت. در این نامه سگان تهران از قول اجداد مازندرانی خود نقل می‌کنند که وجود سگها در شهرها برای جمع‌آوری فضولات مردم شهری مفید است. در طی عریضه‌ای که سگان به اولیای دولت نوشته‌اند لااقل سه بار آشکارا، گفته شده که اکل میته و نابودی مردارها از وظایف عمده آنان است.

در نوشته افشار معلوم نیست نویسنده این مشروح‌های طنزآمیز چه کسی بوده است. اگر این احتمال داده شود که نویسنده طنز مزبور اهل شمال فلات ایران بوده باشد آنگاه شاید بتوان گفت این مضمون دست به سر کردن نقش مردگان توسط سگها بی سابقه تاریخی نبوده است. استرابون جغرافیانویس یونانی سده اول پ - م در بند سوم از فصل یازدهم جلد یازدهم جغرافیای مشهور خود می‌گوید:

«۳ - در روزگارهای نخستین سفدی‌ها و باکتریان، از نظر رسوم و عادات، تفاوت چندانی با بیابان‌گردها نداشتند. هر چند باکتریان اندکی متمدن‌تر می‌نمودند.

آنچه اونیکروتوس از اینان و دیگران می‌گوید چندان پسندیده نیست. مثلاً گزارش می‌کند کسانی را که به علت سالخوردگی یا بیماری ناتوان و از کار افتاده می‌شده‌اند زنده زنده و به عنوان طعمه جلوی سگهایی که به این منظور نگاه‌داری می‌شدند می‌انداختند. به زبان بومی خود این

سگ‌ها را «کسی که مردها را دفن می‌کند» می‌خوانند. گزارش می‌کند که مردم حاشیة دریای کاسپین [= دریای هیرکانیه] فرهیخته‌گونه عمل می‌کنند.

مثلاً چون سن پدر و مادر آنان از هفتاد سالگی بیشتر می‌شود آنان را در اطافی در بسته می‌نهند تا از گرسنگی جان دهند و این رسم قابل تحمل‌تری است و شبیه است به رسم «کیان»‌های ساکن جزیره کیوس که به افراد بالای شصت سال شوکران می‌نوشاندند تا آذوقه کم نیاید. اما آنچه در حاشیة دریای کاسپین مرسوم است از عادت‌های سکاهاست.»

رقمزن مدتهاست به این نتیجه رسیده که به گفته‌های مورخان یونانی باید با شک و تردید نگریست. اما در یکی از منابع موثق و نسبتاً اخیر زبان فارسی به جمله‌ای برخورد که به احتمالی می‌تواند دست کم به گونه‌ای غیر مستقیم تصدیق و تأیید نوشته استرابون باشد. عنصرالمعالی مولف قابوس‌نامه در باب بیستم کتاب با عنوان اندر کارزار کردن می‌گوید:

«اما در حدیث کارزار کردن - چنانکه گفتم چنان باش و خویشان بخش باش [و البته از مرگ مترس] که تا تن خود را به خورد سگان نکنی نام خویش به نام شیران نتوان کرد.»

همایون صنعتی‌زاده - هتل هما - بندرعباس - بهمن ۸۱



همایون عزیزم. هفتاد سال با هم بوده‌ایم اما عاقبت

کارمان به اینجا رسید که بر سر شوخی عصر ناصری آن هم درباره سگ به هم بیفتیم. من آن شوخی را به خویش دلنوازت هوشنگ دولت آبادی که مردی شوخ طبع است تقدیم کردم و منتظر نظرش بودم. خوشبختانه تو به او مجال به میان آمدن ندادی. پریروز که با هوشنگ به حوالی برگ جهان (بلگه جون) رفته بودیم به چشم خود دیدم که یک تنه حریف هفت هشت سگ گله شد و از «تهاجم» آنها دل نمی‌باخت، زیرا بارها با کتاب «تهاجم» ور رفته بود و می‌دانست با جانور چه گونه باید رو به رو شد. آنچه را از استرابون نقل کرده‌ای چون خواندنی و جالب است در تازه‌ها و پاره‌ها نقل می‌کنم تا دیگران هم مطلع شوند.

بهر تقدیر چون از تداعی نمی‌توان گریخت مطلب را درز می‌گیرم ولی ناچارم برایت بنویسم که شادروان ابراهیم داود مقاله‌ای تحقیقی دارد به عنوان «سگ». آن را در مجموعه موسوم به «فرهنگ ایران باستان» (تهران، ۱۳۲۶) به چاپ رسانیده است. او در آن مقاله هجده صفحه‌ای به بعضی از اهم منابع یونانی و رومی از جمله اقوال هردوت و ژوستینیوس راجع به سگ‌نگه افکنده و نوشته‌های زردشتی را به تحلیل و تفصیل بیشتر بررسی کرده است. اما تعجب می‌کنم که متذکر و متوجه نوشته استرابون نبوده است. بد نیست آن مقاله را بخوانی.



● زنده یاد مجتبی مینوی (تایستان ۱۳۲۹ در کتابخانه اش)

۷۳۱- ظواهر جسمی و صوری نسخه خطی (کودیکولوژی فرنیکی)

شنیدم در مقدمه یکی از فهرستهای مربوط به نسخه های خطی ایران نویسنده به طعنه و دهن کجی اظهار رأی فرموده است که در شناساندن نسخه های خطی آنچه مهم است پرداختن به متن است از نظر اینکه تاریخ شناخت علم چنین اقتضا دارد. لذا «ور رفتن» به نسخه را از لحاظ تعریف فیزیکی و برشمردن دقایق مربوط به ضوابط صوری نسخه شناسی از امور زائد یا بی فایده و در زمره اتلاف وقت به شمار گرفته است. من آن مقدمه را چون ندیده ام بیش از یک نکته را برای نمودن فایده به دست دادن ملاحظات نسخه شناسانه نمی نویسیم و آن این است که یگانه وسیله امتیاز و شاخص گردانیدن میان دو یا چند نسخه از یک متن، منحصرأ وابسته به شناسایی فیزیکی آنهاست. جزین، خدای ناکرده اگر نسخه ای از جای خود خارج شود فقط براساس آن دقایق و ظواهر و علائم است که امکان بازشناسی آن خواهد بود.

به همین ملاحظه بوده است که کتابداران هوشمند هندی و ایرانی رسم «عرض نویسی» را با آوردن و ذکر مشخصات جسمانی و صوری نسخه، مخصوصاً در مورد ممتازها و سلطنتی ها معمول کرده بودند. در خانه اگر کس است یک حرف بس است.

۷۳۲- یادروز مجتبی مینوی

چند سطر از نامه دلاویز محمد مهدی پور، از نجف آباد اصفهان را که موجب تجدید یاد از استاد

ایران‌شناس مجتبی مینوی است پایان بخش مطالب این شماره قرار می‌دهم. «از آن روی که روز شنبه نوزدهم بهمن ماه هشتاد و یک برابر با نود و نهمین سالگشت زایش فرخنده هم میهن نازنینم شادروان استاد مجتبی مینوی می‌باشد، بدین سان بر خود بایسته دانستم این روز همایون را از ژرفای دل و جان به شما که از دوستان و دوستانان راستین آن روانشاد بوده، هستید و خواهید بود شادباش گویم. در این هنگامه نیک یاد آن نیکمرد نیکونهاد نیک‌اندیش را گرامی داشته و یاد دوستی‌ها، هم‌نشینی‌ها، هم‌سختی‌ها و مهرورزی‌های آن بزرگمرد اندیشه‌ورز را نسبت به شما هم مهین گرانسنگم - فریاد می‌آورم. «یاد باد آن روزگاران یاد باد».

بی‌گمان یاد و نام بلند شادروان مینوی همواره در تاریخ فرهنگ و ادب این مرزوبوم جاویدان ماند. بود که نونهالان، نوجوانان و جوانان این آب و خاک رهرو شایسته‌ای برای ایشان که همانا از ایران‌شناسان نامور و توانای روزگارمان بود باشند.

محمد مهدی پور



انتشارات مدحت منتشر کرده است:

- بررسی تأثیر روایات شیعی در نهج البلاغه و تطبیق آن با مفاهیم عرفانی / دکتر علی فتح‌اللهی
- سیر و سلوک زائر، مقایسه تطبیقی عرفان اسلام و مسیحیت / جان بانی‌ین / ترجمه دکتر گلناز حامدی

انتشارات مدحت - صندوق پستی ۷۵۵ - ۱۱۳۶۵